

خطر شکل‌گیری دوقطبی حجاب

26 تیر 1401

برای ترویج حجاب، باید قدمشترک موجود بین علمای دینی را به عنوان حجاب در جامعه مطرح کرد.

مهدی بیک اوغلی / ایجاد «دوقطبی»های مخرب در جامعه خطری است که همواره بزرگان و دلسوزان کشور نسبت به احتمال وقوع آن هشدار می‌دهند. فرقی نمی‌کند این دوقطبی‌سازی در حوزه مسائل سیاسی و بحث انتخابات ظهور و بروز پیدا کند یا در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و رفتاری. حتی در عرصه ورزش که محل شکل‌گیری دوقطبی‌های رادیکال است نیز تلاش می‌شود تا فوتبال یک کشور از دوقطبی‌های مرسوم، فاصله گرفته و چندقطبی ایجاد شود. اما اخیراً افزایش برخی رفتارهای تند در برخورد با مقوله حجاب زنان و افزایش گشت‌های ارشاد باعث شکل‌گیری یک دوقطبی خطرناک در جامعه شده است که در یک‌سوی آن طرفداران حجاب حداکثری و در نقطه دیگر، طیف وسیعی از زنان جامعه قرار گرفته‌اند که به گونه‌ای دیگر می‌اندیشند. در میان این دو طیف اما تحلیلگران، اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران قرار دارند که معتقدند حجاب، یک امر دینی، فرهنگی و اخلاقی است و باید از طریق روش‌های نرم فرهنگی و رسانه‌ای ترویج و تشویق شود.

روز گذشته ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخید که در آن دو گروه از بانوان ایرانی در یکی از اتوبوس‌های BRT در شهر تهران بر سر حجاب به نزاع و درگیری با هم پرداخته و صحنه‌های عجیبی را رقم زدند. صحنه‌هایی که نشان می‌داد، ایجاد دوقطبی درخصوص یک مقوله فرهنگی، رفتاری و اجتماعی، کار را به جایی رسانده که مردم در کف خیابان با رادیکال‌ترین روش‌های ممکن تلاش می‌کنند، دیدگاه خود را به طرف مقابل بقبولانند.

صدیقه شکوری‌راد، عضو هیات علمی [دانشگاه تهران](#) یکی از چهره‌هایی است که با استفاده از سال‌ها تحصیل، تحقیق و پژوهش معتقد است، ایجاد دوقطبی فعلی درخصوص حجاب در ادامه جامعه را با شکاف‌های عمیقی مواجه می‌کند که جز ویرانگری و رادیکالیسم، نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت. او با اشاره به این واقعیت که برای ترویج یک امر فرهنگی باید با زبان و ابزارهای مناسب با آن اقدام کرد، ابزار ترویج حجاب را روش‌های رسانه‌ای، هنری و فرهنگی ارزیابی می‌کند.

اخیراً به نظر می‌رسد، یک دوقطبی خطرناک درخصوص [حجاب](#) در فضای عمومی جامعه شکل گرفته است. برخی معتقدند برای ترویج و تشویق مردم به استفاده از حجاب باید از روش‌های نرم، رسانه‌ای و فرهنگی استفاده شود، نه گشت‌های ارشاد و بگیر و ببند. نظر شما به عنوان یک فعال مسائل زنان و استاد دانشگاه در این زمینه چیست؟

متأسفانه مساله حجاب در جامعه ایرانی به یک کلاف سر در گم بدل شده است. بنا به دلایل گوناگون مساله حجاب در ایران به یک مساله سیاسی بدل شده است که تصمیم‌گیری عاقلانه درخصوص آن را دشوار می‌کند. یک نوع حجاب خاص (چادر مشکی و...) در ایران به یک نماد بدل شده تا از طریق آن اسلامی بودن جامعه ایران نمایان شود. در واقع تمایز ایران با سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به

این نوع پوشش مرتبط شده و مسوولان کشور گمان می‌کنند هر نوع تغییر در این وضعیت، به معنای تغییر در کل ساختار سیاسی است.

این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اسلامی چنین نگاهی به مقوله حجاب وجود ندارد و حجاب نقشی سیاسی در این جوامع ندارد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، اتباع سایر کشورهای غیرمسلمان می‌توانند با حجاب موردنظر خود تردد کنند، ضمن اینکه نگاه به پوشش زنان حداکثری نیست.

اما آیا این رویکرد باعث افزایش اقبال عمومی نسل‌های ایران به امر حجاب شده است؟

واقعیت‌های اجتماعی و تجربه‌های سیاسی و تاریخی همه جوامع نشان می‌دهد از طریق اجبار، دستور و بخشنامه نمی‌توان یک گزاره فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی را نهادینه کرد. حتی عالمان علوم اقتصادی، تاکید دارند، با بخشنامه، دستور و زور نمی‌توان نظم و نظامات بازارها را کنترل کرد. وقتی بازارها را به عنوان یک اکوسیستم، نمی‌توان از طریق زور و بخشنامه، کنترل کرد، طبیعی است که فضای عمومی یک جامعه زنده را نیز نمی‌توان از طریق زور، گشت ارشاد و دستور وادار به انجام کاری کرد.

اتفاقا در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌های متعددی از شکست رفتارهای سلبی با مقولات فرهنگی وجود دارد. رضاشاه به دنبال این بود که از طریق برداشتن حجاب از سر زنان، ایران را در مسیر توسعه، تجدید و صنعتی شدن! قرار دهد؛ در هر کوی و برزن و میدانی مامورانی به کار گماشته شدند تا زنان را از داشتن حجاب منع کرده و پوشش مورد نظر **شاه پهلوی** را ترویج کنند. مادر بزرگ من تعریف می‌کرد، زمانی که رضاشاه حکم به کشف حجاب داد، دختران ایرانی تقریباً در خانه‌ها حبس شدند. دخترانی ایرانی که پیش از این حکم، درس می‌خواندند و به مدرسه می‌رفتند، حتی برای دید و بازدید اقوام و آشنایان خود با مشکل مواجه شدند. در واقع قانونی که قرار بود باعث پیشرفت زنان شود، باعث زندانی شدن زنان شد. در آینده هم پوچی این قانون ثابت و در دوره پهلوی دوم این قانون بی‌سر و صدا کنار گذاشته شد. روی دیگر این نوع رفتار سلبی، ترویج حجاب به صورت اجباری، دستوری و خشن است.



برخی اشاره می‌کنند که سلامت اجتماعی تنها از طریق حجاب زنان محقق می‌شود. این گزاره به نظر شما درست است. سالم‌سازی جامعه تنها وظیفه زنان است؟
من با این گزاره مخالفم، نباید سلامت اجتماعی را برابر با حجاب داشتن زنان دید. در سلامت جامعه،

هم زنان و هم مردان نقش دارند. ضمن اینکه آثار برآمده از حجاب اجباری، حاکی از ضرورت اصلاح روش‌هاست. 44 سال از انقلاب می‌گذرد. بسیاری از دختران نسل انقلاب (مثل من و هم‌نسلان من) با انقلاب محجبه شدند و هنوز هم محجبه مانده‌اند. اما بسیاری از دخترانی که در دوران انقلاب متولد شده‌اند، اعتقادی به حجاب ندارند. این گزاره چه می‌گوید؟ یعنی اینکه روش‌های تند و دستوری و اجباری باعث شکل‌گیری مقاومت می‌شود. حتی در بسیاری از خانواده‌های مذهبی، شاهد فرزندان هستی که با حجاب مخالفند. بسیاری از چهره‌های سیاسی که رفتارهای رادیکال درخصوص حجاب داشتند، فرزندان کم حجاب (اگر نگویم بی‌حجاب) دارند که امروز در زمینه مدلینگ فعالیت می‌کنند. ذات انسان این‌گونه است که در برابر اجبار مقاومت می‌کند. اگر فرهنگ‌سازی حجاب از ابتدای انقلاب به درستی صورت گرفته بود و به جای اجبار از روش‌های نرم، رسانه‌ای و هنری استفاده می‌شد، امروز شرایط جامعه این‌گونه نبود. رویکردهای اجباری به گونه‌ای آرایه شد که حتی در زمان پیامبر هم این‌گونه رفتار نمی‌شد. در زمان پیامبر اکرم (ص) زنانی که مسلمان نبودند، حجاب نداشتند. اساساً در آن ایام کنیزان حجاب نداشتند. (موضوعی که امام (ره) در وسیله‌النجات به آن اشاره کرده‌اند) اما در ایران برخی حتی از احکام اسلام نیز پیش افتاده‌اند.

فارغ از واقعیت که حجاب یک امر دینی است که جامعه را از ناهنجاری‌ها باز می‌دارد، آیا میدان گفت‌وگو درخصوص حجاب، کف جامعه است یا در محیط‌های رسانه‌ای، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی؟

اگر به حجاب به عنوان یک پدیده مهم اجتماعی نگاه شود، محل بحث و تبادل نظر درخصوص آن محیط‌های دانشگاهی، رسانه‌ها و کرسی‌های آزداندیشی است. اینکه دو قطبی باحجاب و بی‌حجاب شکل بگیرد و به سطوح میدانی جامعه کشانده شود، باعث شکل‌گیری تصاویری از جنس تصاویری که امروز در شبکه‌های اجتماعی دیدیم، می‌شود. دو گروه در اتوبوس درون شهری ناگهان با هم درگیر می‌شوند و همدیگر را می‌زنند. شما ببینید در همین هفته که با عنوان هفته عفاف و حجاب، نام گرفته، کدام بحث قوی و علمی با حضور طرف‌های موافق و مخالف در صدا و سیما، محیط‌های دانشگاهی و رسانه‌ای شکل گرفته است. یکسری محتوای غیرعلمی و سطحی با صرف هزینه‌های میلیاردی ترویج می‌شود، بدون اینکه موضوع از منظر علمی و آکادمیک بررسی شود.

اما چطور می‌شود این دو قطبی‌سازی را درخصوص حجاب متوقف ساخت؟

مساله این است که حجاب از موضوعی اعتقادی به یک گزاره سیاسی بدل شده است. مردم هم (درست یا غلط) احساس می‌کنند، سیستم از طریق دستور و بخشنامه و جریمه قصد دارد یک شکل مشخص از حجاب را ترویج کند. اما باید محیط‌های رسانه‌ای و علمی کشور به صحنه تضارب آرا بدل شود. عالمان علوم دینی، متخصصان جامعه‌شناسی، روانشناسان و... باید در این خصوص به بحث و تبادل نظر پردازند. از سوی دیگر، برخی افراد رادیکال، حجاب را به شکلی طرح کرده‌اند که حتی بیشتر از شیوه‌ها ابتدای اسلام است. عنوان می‌شود زن‌ها باید چادر مشکی سر کنند، زیر چادر هم مانتوی مشکی یا سرمه‌ای تن کنند، هر نوع پارچه رنگ روشنی را هم تبرج محسوب می‌کنند. این در حالی است که هیچ کدام از این بایدها در صدر اسلام مطرح نبوده است. حتی برای ترویج حجاب، باید قدرمشتک موجود بین علمای دینی را به عنوان حجاب در جامعه مطرح کرد، اما برخی گروه‌های سیاسی، دیدگاه‌های حداکثری گروهی از علمای خاص را مبنا قرار داده‌اند.

این نگاه سیاسی حداکثری تا چه اندازه به مسیر رشد زنان در حوزه‌های مدیریتی آسیب زده است؟ این روند باعث شده تا برخی زنان دارای صلاحیت نتوانند در عرصه‌های مدیریتی سطح بالا حضور

داشته باشند. يك زن به دليل اعتقاد خاصي كه نسبت به پوشش دارد و اين نگاه با نگاه حداكثري برخي جريانها تفاوت دارد، نمي‌تواند وارد عرصه سياسي و مديريتي کشور شود. بايد توجه داشت اكثريت دختران و زنان ايراني به حجاب اعتقاد دارند، مخالفت‌ها نسبت به دیدگاه‌هاي افراطي است. از سوي ديگر بايد توجه داشت، حجاب امري عرفي است. خاطر م هست در سال‌هاي ابتدائي انقلاب داستاني براي ما تعريف مي‌شد كه يكي از زنان کشور با **امام (ره)** دیدار مي‌کنند كه بلوز و دامن و جوراب رنگ پا پوشيده بودند و يك روسري کوتاه هم داشتند، اين زن از امام(ره) پرسیده بود آیا اين حجاب قابل قبول است؟ امام(ره) هم اشاره کرده بودند كه بله اين حجاب كامل است.

عباس عبيدي هم اخيرا اشاره کرده كه براساس برخي فتاوا پوشش مرد به اندازه‌اي است كه عورت او را بپوشاند و بعد تاكيد داشتند كه مردها براساس عرف جامعه، خود را بيشتر از اين بايدها مي‌پوشانند. آقاي عبيدي معتقد بودند درباره زنان هم اگر عرفي نگاه شود، بانوان براساس عرف جامعه پوشش مناسبی را انتخاب مي‌کنند.

دکتر کبری درویش پیشه
مرکز مشاوره
حال خوب
ازدواج ، طلاق ، خانواده ، تحصيلی
قزوین ، خیابان شهیدبابایی،مقابل دادگستری قزوین
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸
باتعین وقت قبلی ۰۲۸۳۳۶۷۲۷۵۰

من هم موافقم، البته همواره در هر جامعه‌اي ممکن است برخي جريانات هنجارشکن داشته باشند، اما اکثريت قريب به اتفاق مردم ايران به اخلاقيات پايبندي دارند. اساسا هر انساني به دنبال امنيت بيشتر است، اگر به زنان ايراني اجازه داده شود كه مبتني بر اعتقادات خود و عرف جامعه پوشش داشته باشند، شك نکنيد كه جامعه تفاوتی با شرايط امروز نخواهد داشت و حتي در برخي جهات بهتر هم خواهد شد. حتي در کشورهای غربي هم براساس عرف در مکان‌هاي مختلف لباس انتخاب مي‌کنند، هيچ کس در محيط کار خود لباسی را كه در پارتي مي‌پوشد به تن نمي‌کند. در صورت دادن آزادي، زنان ايراني بي‌گدار به آب نمي‌زنند و بعد از مدتي فضاي تعليق، جامعه نقطه ثقل اخلاقي خود را پيدا مي‌کند. در متون ديني و تاريخي هم هيچ جا اشاره نشده كه پيامبر به اجبار حجاب را ترويج کرده‌اند. تا سال هشتم هجري كه آيات حجاب نازل شد، زنان براساس عرف و به شيوه‌اي اخلاقي پوشش مناسبی داشتند و بعد از نزول آيات حجاب هم تغيير بنياديني ايجاد نشد.

آيت‌الله هاشمي رفسنجاني معتقد بودند راه‌حل باز کردن برخي گره‌هاي خاص در جامعه ايراني در حوزه مسائل خاص سياسي، اجتماعي، فرهنگي و... در فقه پوياست. فکر مي‌کنيد، موضوع حجاب را نيز مي‌توان از اين طريق حل و فصل کرد؟

آيت‌الله هاشمي رفسنجاني انجام مي‌دادند، آيت‌الله مطهري در کتاب «اسلام و مقتضات زمان» و «حقوق زن در اسلام» اين مسائل را طرح مي‌کردند كه چه راهکارهايي در فقه و دين اسلام وجود دارند كه اين فرصت را مي‌دهد كه احكام را بر اساس مقتضيات فرهنگي، اجتماعي و سياسي به‌روزآوري كنيم. از اين ظرفيت‌ها بايد استفاده شود و به تناسب موقعيت و نقشي كه زنان دارند، احكام را به‌روزآوري كنيم.

نقشي که امروز زن در خانواده دارد و همراه با مرد در فرآیند نان‌آوری مشارکت می‌کند با شرایط گذشته متفاوت است. وضعیت اقتصادی به گونه‌ای است که اگر زنان در روند کسب درآمد نقش‌آفرینی نکنند، چرخ معیشت خانواده‌ها به گردش نمی‌آید. براساس این تغییرات باید درخصوص به‌روزآوری احکام نیز اقدام کرد و در بخش‌هایی چون ارث زنان، شهادت زنان، پوشش زنان، حضانت فرزندان و... نگاه نوینی را جاری و ساری ساخت. در قرآن نیز خداوند از فرزندان انسان می‌خواهد که مدام نگوید که چون پدران خود را به روشی یافته‌اند او نیز بر همان روش قدم گذاشته است. خداوند انسان را به فرزند زمان خود بودن و استفاده از عقلانیت و تفکر فرامی‌خواند. اگر بدانیم.

*اعتماد/ شماره 5257/ یکشنبه ۲۶ تیر